

در رابطه با اسناد مهم، مهم!

امیر فیض- حقوقدان

کاملاً قابل درک است که مسئله اسناد و نگرانی هائی که به درستی متوجه آن است ظرفیت تحمل را لبریز ساخته است و تلاشها برای رفع اثر و یا لاقلاً کسب اخبار در دست و کامل همچنان ادامه دارد، تقریر اخیر جاوید ایران (نوشته را در پایان ببینید) درباره اسناد لازم ساخت که این مختصر وارد آرشیو موضوع اسناد مهم، مهم بشود.

۱- در اظهارات آقای میلانی تعداد صندوق های اسناد ۹۴ ذکر شده نمیدانم رقم ۹۵ از کجا آمده است! گرچه این تفاوت مهم نیست ولی قرینه ای است که منتقدین به موضوع و اظهارات میلانی در خصوص اسناد توجه درست ندارند. ادعای مدعی باید درست عنوان شود تا پاسخ آن قابل استماع گردد.

۲- اینکه انتظار بوده و یا تصور شود که جناب زاهدی بتواند کلیه اسناد رابازبینی کرده و مانع شود تا اسنادی که احتمالاً موجب زیان و یا کسر حیثیت شاهنشاه گردد در اختیار دانشگاه قرار نگیرد تصور نادرستی است زیرا:

★ بازبینی تعداد زیادی اسناد آنهم در حد ۹۴ صندوق کار ساده ای نیست که از سن و سال جناب زاهدی برآید.

بنده در بازبینی اسناد یک پرونده تحقیقی که به صندوق هم نمیرسد عاجزم.

★ نمیتوان اتفاقات و مسائلی را که پیش خواهد آمد پیش بینی کرد و اسنادی که احتمالاً در آن جهت قابل استفاده است کنارگذارد. ماهیت سند طوری است که ممکن است امروز مهم نباشد ولی فردا به مناسبتی مهم باشد.

★ سند محرمانه با اسناد تاریخی و یا اداری تفاوت دارد سند محرمانه اگر تاریخ رفع محرمانه در آن نباشد برای همیشه به احترام خواست تنظیم کننده نامه محرمانه است.

ماهیت نامه های بین شاهنشاه و آقای زاهدی صفت محرمانه بودن را متوجه شاهنشاه که مقام ارجح است مینماید و موقعیت جناب آقای زاهدی را محدود به حفاظت از امر محرمانه بودن اسناد میسازد.

★ در منش ایرانی و حقوق مدون ما ایرانیان احترام به منویات متوفی بسیار محترم است. حفظ اسرار متوفی همیشه لازم است مدت بردار نیست، و اگر بین دو تن باشد نمودی از اعلا مرتبه محفوظ بودن آن اسناد از عامه است و نمود مزبور از اظهاراتی که بوسیله آقای میلانی شده کاملاً قابل برداشت است.

★ ضرب المثل <مرغ از درخت پرید> مصداق موضوع است ما خواب بودیم و هستیم و کاروان رفته است.

✳️ **تصور اینکه اصلا داستان دروغ باشد و آقای میلانی آنرا ساخته و اینکه ایشان دروغگو و خودنماست ارتباط چندانی در مورد اسناد ندارد.** ^۲ درست است که میلانی اهل غلو است و در یکی از اظهاراتش مدعی شده بود که یکصد هزار سند محرمانه درباره شورش ۵۷ مطالعه کرده، که بنده هم روی این غلو او دست انتقادی گذاشتم ولی میلانی نمیتواند در مورد اسناد مهم غلو کند زیرا برای دانشگاه ایجاد حق میشود و دانشگاه بدهکار خواهد گردید. وانگهی در اظهارات میلانی آمده است که به اتفاق نماینده دانشگاه صندوقها را تحویل گرفته اند بنابراین اگر تعداد صندوقها آنطور که میلانی گفته ۹۴ صندوق نباشد دانشگاه متهم به دست اندازی در آن میشود و تصور نمیکنم که دانشگاه و یا میلانی به این مهم توجه نداشته باشند. ^۳

✳️ **مبارزه که سامانه درست نداشته باشد این چیزها از جمله همین مسئله نامه های مهم امری عادی است.**

بسیاری موارد مهم بوده که بسادگی از مقابل ایرانیان خارج از کشور گذشته است از جمله وصیت سیاسی شاهنشاه که مهمترین سندی بود که تکلیف بر ارائه و رعایت مراتب آن در صدر قرار داشت که دیدیم چه سرنوشتی پیدا کرد.

در چاپ کتاب پاسخ به تاریخ دستبرد زده شد و کتاب پاسخ به تاریخ منتشر شده با نسخه اصلی آن تفاوت دارد (مشروح درسنگر مربوطه).

با این اوضاعی که ناظریم و از هر جهت سنگ فتنه بر شاهنشاهی ایران میبارد کجا میتوان انتظار داشت که آن اسناد مهم، مهم از این فتنه ها در امان بماند.

✳️ **نکته آخری که همراه تاسف باید عرض کنم این است که تلاش اپوزیسیون خارج از کشور حفظ حیثیت شاهنشاه و ایران نیست رعایت رضایت آمریکاست.**

ایرانیان گرامی موضوع اسناد جناب آقای زاهدی

الم شنگه ای که عباس میلانی این دروغگوی بزرگ، شارلاتان، دغلباز، خودبزرگ بین و مغلظه گر قرن راه انداخته کم، کم رنگ خود را نشان میدهد.

^۲ - احتمال اینکه آقای میلانی یک موضوع را به موضوع دیگر مرتبط میکند کاملا وجود دارد. او در مورد مکاتبه خصوصی دو تن (شاهنشاه و جناب زاهدی) را شنیده و داستان کیف های ویژه را شنیده ولی آنرا به احتمال زیاد به کاغذ و مدارک دیگر مربوط میسازد و ممکن است ایندو بهم مربوط نباشند. هنوز نمیدانیم. میلانی اگر مقید به اخلاق بود هرگز در کتاب «شاه» خودش آن غلو و دروغ هارا سرهم نمی کرد و در کتاب امیرعباس هویدا آن بی ربط ها را جاری نمی کرد. اگر اخلاق داشت یک عضو چریک و مخالف کشورش نمی شد. آنانی که او را از زندان نجات دادند نیمی از مسنولیت را به گردن دارند... ح-ک

^۳ - ممکن است دانشگاه ماخوذ به حیا بوده باشد و رعایت اخلاق را بکند ولی تابحال میلانی خلاف آنرا ثابت کرده است.

البته به هزار دلیل هنوز مستقیم با جناب آقای زاهدی گفتگو نکرده ام زیرا ایشان روز چهارشنبه برای منظور های پزشکی در بیمارستان زیر بیهوشی رفته بودند تا معاینات پزشکی انجام شود و نحوسته ام در این فاصله اوقات ایشان را مکرر بکنم.

توسط واسطه ای که خیلی نزدیک به جناب آقای زاهدی هستند مطالب زیر بصورت رئوس مطالب بدست آمده است.



۱. جناب آقای زاهدی در سالهایی که سفیر ایران در واشنگتن بوده اند (ایشان دو دوره در واشنگتن سفیر بوده اند)، دانشگاه استانفورد به ایشان دکترای افتخاری داده است و ایشان خود را نسبت به این دانشگاه مدیون میدانسته اند.

۲. دوسه سالی است که دانشگاه با ایشان در حال مذاکره بوده است و این مذاکرات مستقیم انجام شده و ارتباطی با عباس میلانی نداشته. ولی عباس میلانی از موضوع آگاه بوده است.

۳. ۹۵ صندوق کاغذ و مدارک درست است اما هنوز مشخص نیست دقیقا چه مدارکی در درون این صندوق ها بوده است و اندازه صندوق ها هم مشخص نیست ممکن است اندازه قوطی کفش یا جعبه های بزرگتری باشد. تا مشخص نشده نمی توان اظهار نظر کرد.

۴. گویا گروه آرشیو محرمانه دانشگاه استانفورد ترتیب قرار هایی را داده است و وکیلی نیز از سوی جناب آقای زاهدی ناظر بر روند کار بوده است. گویا قرار بر این است که اگر لازم باشد مطلبی منتشر بشود بایستی همه مطالب مربوط باهم منتشر شود و قطعه برداری و سوء استفاده در کار نباشد. البته این امر پس از درگذشت جناب آقای زاهدی چقدر قابل اعمال باشد مشخص نیست مگر به دخترشان والاحضرت مهناز وصیت های لازم شده باشد. اصولا گروه آرشیو محرمانه دانشگاه چه کسانی بوده اند آیا با سازمان های اطلاعاتی وزارت امور خارجه آمریکا، پنتاگون و سیا در ارتباط هستند یا تنها استادانی هستند که در پی پژوهش دانشگاهی میباشند. استاد دانشگاه چه ارتباطی میتواند با اسناد رسمی دولتی کشور دیگری مانند ایران داشته باشد و چرا؟

۵. گویا آنطور که رابط اظهار داشته به دلیل میهن پرستی و عشق بیش از حد جناب آقای زاهدی به ایران و شاهنشاه در خاک خفته هرگز ایشان اسنادی را که بتواند علیه ایران و شاهنشاه بکار گرفته شود را بجای نمی دهند ولی هنوز ممکن است لابلای کاغذ ها مطلبی از نظر دور افتاده باشد.

۶. موضوع جعبه هایی که مستقیم بین جناب آقای زاهدی و شاهنشاه رد و بدل میشده و دو کلید بیشتر نداشته هم از اغراق های میلانی است و ارتباطی به این اسناد ندارد. صندوق هایی بوده ولی ارتباطی با این موضوع ندارد و میلانی با توسل به شارلاتانیسم روغن داغ دروغ هایش را زیاد کرده است.

۷. اسناد برخلاف ادعای بی مورد و دروغ و اغراق آمیز عباس میلانی به این جرثومه که هنوز پس از اینهمه هنوز کینه شتری خود علیه خاندان پهلوی را یدک میکشد داده نشده بلکه اسناد تحویل تیم دانشگاه شده است. ولی از آنجا که این مفت خور (کرسی استادی او از سوی رژیم

اسلامی پرداخت میشود) از موقعیت استفاده و در رفت و آمد های بین نمایندگان دانشگاه به سوییس به احتمال زیاد با هزینه دانشگاه شرکت کرده است ولی با این همه برخلاف ادعایش مدارک تحویل این دروغگوی نجس نشده است. البته نه اینکه تحویل این اسناد به دانشگاه ارجح است خیر ولی تنها برای نشان دادن دروغ و مغلظه گری این جرثومه چریک فدایی عنوان میشود.

این مطالب بصورت نقل قول به من رسیده و توضیح های لازم برای درک بهتر به آن اضافه شده و کسی که مطلب را ارائه داده خودش عنوان میکند، «تا کجا درست است و تا کجا نادرست است اگر خدایی باشد، خدا میداند».

هنوز بایستی چند مدتی منتظر بود تا بتوان مستقیم با جناب آقای زاهدی صحبت کرد.

در این فاصله همین مختصر نشان میدهد چقدر عباس میلانی دروغگو و شارلاتان و اهل شانناژ و پروپاگاندا است حرف هایش قابل پذیرش و اعتماد نیست.

ح-ک